

میهن اسلامی در عهد سلجوقیان و صلیبی‌ها

○ الوطن الاسلامی بین السلاجقة و الصلیبیین

○ حسن الامین

○ الغدیر، بیروت

○ چاپ اول ۱۴۱۷/۱۹۹۶ ق، ۳۲۰ ص.

قزوین مهاجرت کردند. دقاق رهبر ایشان که بیش از ۱۰۷ سال عمر کرد با کمک و بهره‌گیری از اختلافات میان مسلمانان و ترک‌ها، رهبری مسلمان‌ها را در برابر ترک‌ها به عهده گرفت و قدرت را از آن خود و فرزندان خویش کرد.

سلجوق فرزندان این پدر بود و پس از آن حکومت به فرزندان و نوادگان سلجوق منتقل شد و این خاندان بدیشان منتسب شد.

جنگ‌های زیادی میان فرزندان سلجوق با سلاطین غزنوی روی داد که گاه با شکست و گاهی با پیروزی همراه بود. در نهایت، و در زمان طغرل یک دولت مقتدر سلجوقیان بر مناطق وسیعی در آذربایجان و ارمنستان و خراسان و اصفهان و ری و عراق و قسطنطنیه و هند و مانند آن حکومت می‌کرد. مؤلف حوادث این دوره را به تفصیل تجزیه و تحلیل می‌کند.

سلجوقیان در عراق

سال ۴۴۷ ق. طغرل یک پادشاه سلجوق به بهانه اقامه فریضة حج و تصرف حکومت فاطمی‌ها به سوی بغداد حرکت کرد و به طور مسالمت‌آمیز آن را به تصرف خود درآورد. اما رویدادهای بعدی آنجا را نیز به خاک و خون کشاند.

مؤلف یادآوری می‌کند که مردم سنی مذهب بغداد با آمدن سلجوقی‌های سنی مذهب مخالف بودند در حالی که شیعه‌ها چندان مخالفتی از خود نشان ندادند و علت را در آن می‌بیند که حکومت آل بویه آنچنان به عدل و مساوات میان مردم رفتار می‌کردند که شیعیان احساس برتری نمی‌کردند و از این رو با رفتن حکومت نگران از دست دادن برتری خود نبودند.

اما سنی مذهب‌ها با توجه به اخباری که از ظلم سلجوقیان سنی مذهب شنیده بودند از حاکمیت غیر عادلانه ایشان واهمه فراوانی داشتند؛ گرچه ظلم طغرل یک شامل حال همه، چه شیعه و چه سنی شد و به هیچ عهدی میان خود و خلیفه پایبند نبود.

نکته دیگر اینکه فاطمیان شیعه درخواست بیزانسیان مسیحی را برای عقد قرارداد همکاری دوجانبه برای مقابله با خطر احتمالی

انگیزه تألیف کتاب پاسخ به بعضی از مقاله‌هایی است که در کنفرانس صلاح‌الدین ایوبی در سال ۱۹۹۴ م. در بیروت ارائه شده بود. برای مثال عده‌ای ادعا می‌کنند که منطقه شامات به علت درگیری میان سلجوقیان ترک و فاطمیان شیعه صحنه تاخت و تاز صلیبی‌ها شد.

این ادعا اصلاً موضوعیت ندارد، زیرا طبق شواهد تاریخی سلجوقیان اصلاً با فاطمی‌ها هم عصر نبودند. سلجوقی‌ها در نیمه‌های قرن پنجم ظهور کردند در حالی که فاطمی‌ها در نیمه قرن چهارم هجری فرمانروایی می‌کردند و در آن زمان آل بویه در عراق حکومت می‌کردند. بنابراین احتمالاً میان جمالی‌ها و سلجوقی‌ها درگیری وجود داشته است.

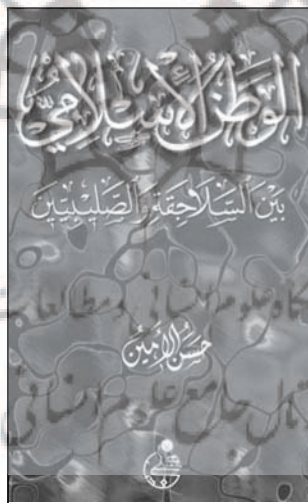
سیدحسن امین در این کتاب نخست تاریخچه ظهور سلجوقیان را بررسی و سپس رابطه ایشان با صلیبی‌ها و خوارزمشاهیان را تبیین می‌کند. در بخش‌های دیگر این کتاب از نقابداران و جمالی‌ها و کیفیت سقوط اندلس و شکوفایی

دولت شیعی بنی‌عمار در طرابلس و توانایی فرهنگی ایشان در عصر خویش سخن می‌رود.

سلجوقیان

ریشه سلجوقی‌ها به قبایل ترک معروف به قبیله‌های «غز» باز می‌گردد. ایشان در قرن ششم میلادی امپراتوری گسترده‌ای از چین تا دریای سیاه داشتند. این امپراتوری با هجوم چینی‌ها متزلزل می‌شود.

نامگذاری این خاندان به سلجوق بن دقاق برمی‌گردد. هنگامی که قبیله‌های غز در قرن دوم هجری / هشتم میلادی به سوی شرق دریای



سلجوقیان رد کردند. اما در عمل سلجوقیان با بیزانسیان بر ضد جمالی‌ها، که در اواخر حکومت فاطمی‌ها به قدرت رسیده بودند، متحد شدند. حکومت فاطمی سال قبل از آمدن صلیبی‌ها به پایان خود رسیده بود و تنها جایی که شیعیان با سلجوقیان و صلیبی‌ها درگیر می‌شوند حکومت شیعه بنی‌عمار حاکم بر طرابلس است. بنابراین تمام اتهاماتی که در این باره به فاطمیین شیعه وارد می‌شود بی‌اساس است.

جمالی‌ها

در پایان حکومت مستنصر فاطمی شخصی به نام بدرجمالی به قدرت رسید. در این دوره، خلیفه فاطمی مانند خلیفه عباسی اسمی بیش نبود و تمام دستورات را بدر جمالی صادر می‌کرد. پس از بدر، فرزندش افضل جمالی قدرت را به دست گرفت و مستعلی بالله فاطمی را به عنوان خلیفه منصوب کرد. اما اختیار همه امور در دست افضل بود.

مؤلف در اینجا به شدت به تحریف‌کنندگان تاریخ انتقاد می‌کند که بی‌هیچ تعهدی حقایق را وارونه جلوه می‌دهند و به ناحق فاطمی‌ها را متهم می‌سازند.

البته لازم به ذکر است که جمالی‌ها نیز هرگز با صلیبی‌ها همکاری نداشتند بلکه چندین بار مناطقی را از وجود صلیبی‌ها پاک کرده و با قدرت از منافع مسلمان‌ها دفاع کردند. اما حاکمان سلجوقی در مقاطعی از تاریخ به علت اختلاف میان خود در مناطق مختلف دست از دفاع از میهن و اسلام برداشته و برای حفظ منابع خود با یکدیگر به جنگ پرداخته و از وجود صلیبی‌ها غافل بودند و حتی بعضی از مقاطع با صلیبی‌ها نیز همدست شده بودند.

سلجوقی‌ها و صلیبی‌ها

از سال ۴۹۱ ق. که صلیبی‌ها حمله خود را به سرزمین‌های اسلامی تشدید کردند، حاکمان سلجوقی به درگیری‌های خونین و چپاول مردم در شهرهای مختلف مشغول بودند. رابطه مردم و حاکمان همیشه ناشی از ترس مردم و ظلم حاکمان بود و هرگز مبتنی بر تبعیت و فرمانبرداری نبود. حاکمان سلجوقی در دوره‌های مختلف در تعقیب یکدیگر شهرها را چپاول کرده و مردم را برای قدرت‌خواهی خود از دم شمشیر می‌گذراندند و آنچه که کمتر به ذهن آنان خطور می‌کرد دفاع از کشور در برابر حمله ددمنشانه صلیبی‌ها بود. هنگامی که بزرگان دمشق برای درخواست کمک به بغداد آمدند و وضع اسفبار شهرهای شام را برای خلیفه عباسی تشریح کردند و گزارش مفصلی به پادشاه سلجوقی ارائه دادند چیزی جز اظهار تأسف و همدردی عایدشان نشد. این درحالی بود که حاکمان سلجوقی برای رسیدن به قدرت در شهرهای مختلف سرزمین اسلامی به جان هم افتاده بودند و ده‌ها هزار سرباز مسلمان یا با یکدیگر به نبرد پرداخته بودند یا مشغول قتل عام مردم بودند.

در همان زمان که شهر دامغان با حمله حاکمان سلجوقی ویران شد و مردم شهر قتل عام شدند صلیبی‌ها شهر سروج در جزیره العرب را به تصرف خود درآوردند و مردم را قتل عام کردند و داروندار مردم را به آتش

کشیدند.

دامغان در شرق سرزمین اسلامی و سروج در غرب سرزمین اسلامی هر دو یک سرنوشت داشتند؛ سرنوشتی بدفرجام و سخت به دست سلجوقی‌های به ظاهر مسلمان و صلیبی‌های به ظاهر مسیحی.

بنی‌عمار که از ۴۶۴ ق تا ۵۰۲ ق بر طرابلس لبنان حاکمیت داشتند حاکمان شیعی با تدبیر و عدلی بودند که سهم‌به‌سزایی در اشاعه فرهنگ اسلامی داشتند. در دوره حاکمیت آنان، رشته‌های مختلف علمی در آنجا رونق یافت از جمله شعر، فقه، هندسه، فلسفه و علم هیأت و طب و دانشمندان بسیاری را به آن دیار روانه کرد. کتابخانه معروف و بزرگ اسلامی که در آن زمان نظیر نداشت، تأسیس شد. در این کتابخانه بیش از سه میلیون جلد کتاب نگهداری می‌شد و سال‌های بزرگ مطالعه آن زبانزد همه دانشمندان بود.

حاکمان بنی‌عمار مردان علم و فقاقت و سیاست بودند و مردان جنگ و مقاومت در برابر صلیبی‌های مهاجم، که توانستند بیش از ده سال در برابر حمله صلیبی‌ها مقاومت کنند؛ گرچه تمام سرزمین‌های مسلمان اطراف آنها به تصرف صلیبی‌ها درآمده بود. حال اگر حاکمان دیگر مناطق اسلامی نیز به فکر سرزمین اسلامی بودند هرگز صلیبی‌ها و دیگران به فکر حمله به دیار اسلامی نمی‌افتادند.

نقابداران «مرزداران»

علامه سیدحسین امین در این کتاب درباره چگونگی تأسیس دولت نقابداران در مغرب سرزمین اسلامی سخن می‌گوید.

نهضت نقابداران به رهبری ارشادی عبدالله بن یاسین جنولی و حاکمیت ابوبکر عمر آغاز شد و منطقه وسیعی از غرب کره زمین را با نام اسلام به تصرف درآورد. در طول هفتاد سال حکومت که از ۴۴۸ ق آغاز شد کشورگشایی ایشان توسعه یافت. متأسفانه این حرکت نیز با قتل و کشتار وسیع مردم همراه بود. حرکتی که با شعار هدایت و اصلاح آغاز شد، به مرور زمان مجوز قتل و کشتار را با فتوای مفتی و دستور حاکم صادر کرد و بسیاری از انسان‌های بی‌گناه به قتل رسیدند. سرانجام، در ۵۴۲ ق موحدون این دولت را سرنگون کردند.

نویسنده کتاب اشاره مفصلی به سر کار آمدن سلسله خوارزمشاهیان به دست محمدبن انوشترکین دارد که در دهه آخر قرن پنجم هجری قدرت را اندک اندک از سلجوقیان گرفتند. وی درگیری‌های گوناگون میان عباسیان و سلجوقیان و خوارزمشاهیان را ذکر می‌کند و حوادث مختلف را تا زمان سقوط خوارزمشاهیان در دهه دوم قرن هفتم شرح و بسط می‌دهد. سقوطی که ناشی از برخورد غیرخردمندانه علاءالدین محمد خوارزمشاهی بود و به قتل بازرگانان فرستاده مغولان منجر شد و در نتیجه شهرهای سمرقند و بخارا دستخوش غارت و تاراج مغولان شد و در سه شبانه‌روز بیش از دویست هزار انسان در سمرقند به قتل رسیدند.

پی‌نوشت:

۱. سوریه، اردن، لبنان، فلسطین